

کتاب‌های زهرا سلحشور شاعر، نویسنده و سفیر کتاب محله خین عرب برگرفته از زندگی‌های واقعی است

آینه دردهای مردم



میترا صدرا گاهی داستان زندگی یک نویسنده، پرکشش تر از همه رمان‌هایی است که به رشته تحریر درآورده است. زندگی زهرا سلحشور، نویسنده محله خین عرب، داستان تلاقی ایمان، ادبیات و میراثی است که نه در کتابخانه‌ها، بلکه در کنار زمزمه‌های غریبانه یک مادر هنگام رفت و روپ خانه ریشه گرفته‌اند. او متولد سال ۱۳۵۴ است و اولین کتابش را سال ۱۳۹۹ به چاپ رسانده است؛ کتاب «مخمصه» که در واقع زندگی نامه مادرش در برهه تاریخ شصت ساله است. برای شناخت عمق قلم او، باید به سال‌های پیش بازگشت؛ به خانه‌ای که در آن، زنی درس ناخوانده، بزرگ‌ترین معلم ادبیات دخترش شد.

نمی‌کنم، بلکه برشی شصت ساله از تاریخ اجتماعی ایران را در زندگی یک زن به تصویر می‌کشم. «مخمصه» داستان زنی است که در برابر هر سختی، راه حلی پیدا می‌کند و هرگز تسلیم نمی‌شود. زهرا سلحشور در آثار بعدی‌اش نشان می‌دهد که نویسنده‌ای «واقع‌گرا» است. رمان «چتری به نام عشق»، بازتابی از چالش‌های واقعی یکی از هم‌کلاسی‌های او در انتخاب همسر و تقابل با سنت‌های خانوادگی است؛ کتابی که با نگاهی روان‌شناسانه به لایه‌های عمیق روابط انسانی می‌پردازد.

اما شاید متفاوت‌ترین اثر او کتاب «تبرئه» باشد. این کتاب حاصل کنج‌کاو و دوغده‌مندی او در باره سرنوشت زنی است که در بازداشتگاه‌ها، در برزخ میان جرم و صدور حکم‌شان به سر می‌برند. او می‌گوید: این کتاب داستان سه روز اول بازداشت زنان است؛ روزهایی پر از اضطراب و ابهام. ایده این کتاب را از کسی گرفتم که این سه روز را تجربه کرده است.

قلم در خدمت دفاع مقدس

بخش بزرگی از کارنامه ادبی زهرا به ادبیات پایداری گره خورده است. او با ورود به حوزه دفاع مقدس، سعی کرده است روایتگر زندگی کسانی باشد که امنیت امروز کشور و امدار آن‌هاست. کتاب «داوت»، روایتی مستند از زندگی جانباز رمضانعلی خردمند است. این کتاب آن قدر تأثیرگذار بوده که مستندی نیز بر اساس آن ساخته و از رسانه ملی پخش شده است. کتاب «نی بی صدا»، نمره همکاری او با نشر روایت فتح است. داستان آن درباره شهید «محمد جواد قربانی»، شهید بیست و سه ساله‌ای است که هم ورزشکار بوده و هم نوازنده نی. او برای نگارش این کتاب، به محله آبکوه رفته و درخت توت قدیمی خانه‌اش را نزدیک دیده و با هم‌زمان شهید گفت و گو کرده است تا بتواند روح حاکم بر زندگی او را در کلماتش جاری کند.

کتاب «تکیه‌گهت منم»، روایتی عاشقانه و صبورانه از زندگی جانباز شیمیایی «علی جواد»، به روایت همسر فداکارش است که در ایام کرونا به یاران شهیدش پیوسته و زهرا این کتاب را به درخواست دختر این جانباز نوشته و به چاپ رسانده است.

در آرزوی درمان دردهای جامعه

زهرا امروز خودش را فقط یک نویسنده نمی‌داند؛ او سفیر کتاب شهرداری و فعال فرهنگی در منطقه توس است. زهرا معتقد است زندگی در کتاب‌ها جریان دارد و می‌گوید: هر انسان فقط یک بار فرصت زندگی دارد. اما با خواندن زندگی‌نامه‌ها، می‌تواند چندین و چند بار در قالب شخصیت‌های مختلف زندگی کند، رنج بکشد و رشد کند. هدفم از نوشتن این است تأینه‌ای برای درد مندان باشم. شاید من به عنوان نویسنده، فقط پانسمان روی زخم‌ها را باز می‌کنم. شاید بوی تعفن زخمی که پنهان رادر جامعه پخش کنم، اما امید دارم که با باز شدن این زخم و دیده شدنش، پزشکی پیدا شود تا این دردها را درمان کند.

زهرا سلحشور این روزها در حال تحقیق و مصاحبه درباره شهدای جنگ تحمیلی سوم است و تاکنون با خانواده شهید «محمد ناصحیان» و شهید «جواد صادقی» گفت و گو کرده و امیدوار است به زودی خاطرات این شهدا نیز به چاپ برسند و درس زندگی برای نسل جدید باشند.

مشترکش را آغاز کرد. شعله یادگیری در وجود او خاموش نشد و پس از تولد اولین فرزندش، تحصیلاتش را ادامه داد. او می‌گوید: آن سال‌ها به پزشکی علاقه داشتم، اما دبیر ادبیات سال چهارم دبیرستانم معتقد بود که نیوغ و تخیل قوی در نوشتن دارم. توانسته بودم نمره کامل انشا را از این معلم سخت‌گیر بگیرم.

شاعری از جنس باران و الهام

زهرا سلحشور پیش از آنکه نویسنده باشد، شاعر است. او اولین بیت‌هایش را در یازده سالگی، زیر باران‌های بهاری و پاییزی سروده است. او می‌گوید: عادت داشتم خودم را جای بی‌خانمان‌ها بگذارم و سختی‌ای را که تحمل می‌کردند، به زبان شعر می‌نوشتیم. زهرا خودش را شاعر تراوشی می‌نامد؛ شاعری که کلماتش نه با مهندسی، بلکه با الهام به ذهنش روی کاغذ نوشته می‌شوند. او تاکنون سه مجموعه شعر به چاپ رسانده است. «بر بال شعر» اولین تجربه اوست که به گفته خودش، سروده‌هایی دلی و کمتر پخته است. اما آینه تمام‌نمایی از سبک‌های مختلف شعری از کلاسیک تا نو را در موضوعات مختلف در برمی‌گیرد.

«برگی از باغ بهشت»، دومین مجموعه شعر اوست که شعرهای پخته‌تری دارد. ولی همچون مجموعه اول متنوع است و در سبک‌های مختلف سروده شده است.

«واژه‌های بارند»، بلوغ شعری زهرا در حوزه اشعار آیینی و حماسی است که در دست چاپ است. این کتاب، ادای دینی است به قهرمانان وطن؛ از شهدا و جانبازان گرفته تا ائمه اطهار (ع) که ریشه در باورهای عمیق قلبی او دارند.

«مخمصه»: جلوه‌ای از مادر

مرگ مادر در ابتدا برای زهرا نقطه پایان بود و او چند ماهی دچار اندوه شدید شد. ولی با مرور خاطرات مادر تصمیم گرفت زندگی او را تبدیل به رمان کند. او می‌گوید: رمان «مخمصه»، روایت زندگی زنی است که از شش سالگی و با ازدست دادن مادرش، تبدیل به «مادر پدرش» شد. من در این کتاب، فقط زندگی یک زن را روایت

مادری که الفبای عشق بود

در دنیای زهرا، کلمات پیش از آنکه روی کاغذ جان بگیرند، در فضای خانه طنین انداز بودند. مادر مرحوم او سواد خواندن و نوشتن نداشت، اما گنجینه‌ای از ترانه‌های قدیمی، اشعار عامیانه و لایلی‌های اصیل بود. زهرا به یاد می‌آورد که صدای مادر، موسیقی متن همه روزهای کودکی‌اش بوده است. او می‌گوید: مادر ظرف می‌شست و شعر می‌خواند؛ نان می‌پخت و آوازهای قدیمی را زیر لب زمزمه می‌کرد؛ بچه‌ها را می‌خواند و لایلی می‌خواند.

زهرا همدم مادر و دختر شیرین زبان خانه‌ای بود که در آن، مادر خاطراتش را می‌گفت و در جان دختر می‌نشست. همین پیوند عمیق عاطفی و شنیدن مکرر زندگی تلخ و شیرین مادر، بعدها به داده‌های اولیه اولین کتاب و رمان زهرا خانم تبدیل شدند. او می‌گوید: مادرم برای من فقط مادر نبود، بلکه مظهر مقاومت و الگوی حل مسئله در برابر سختی‌ها بود؛ زنی که معتقد بود «بیکار نمی‌توان نشست» و همین جمله ساده، سوخت موتور محرک در همه سال‌های زندگی‌ام تا به امروز بوده است.

حسرتی بر دل مانده

مسیر تحصیلی و حرفه‌ای زهرا با یک اتفاق ساده تغییر کرد. او در آستانه جوانی، در کنکور سراسری و در رشته دبیری پذیرفته شد، اما شغل پدر که او ستای بنا بوده و جابه‌جایی‌های مکرر خانواده‌اش از خانه‌ای به خانه دیگری، باعث شد نامه قبولی او در تربیت معلم هرگز به دستش نرسد. در همین روزهای انتظار و بی‌خبری، دست تقدیر او را در مسیر ازدواج با یکی از اقوام مادری‌اش قرار داد و زهرا در هجده سالگی زندگی

